

بررسی ارتباط سبک رهبری مربیان با نیازهای روانی پایه در بازیکنان لیگ برتر کبدی مردان

اردوان همتی*^۱، شیرین زرتشتیان^۲، سمیه گراوند^۳

- ۱- کارشناس ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران
- ۲- استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران
- ۳- کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱)

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی ارتباط سبک رهبری مربیان با نیازهای روانی پایه در بازیکنان لیگ برتر کبدی مردان بود. این تحقیق از نوع زمینه‌یابی و به روش میدانی انجام شد. تمام بازیکنان لیگ برتر کبدی مردان (۱۴۴ نفر) در سال ۱۳۸۹ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسش‌نامه سبک رهبری مربیان و نیازهای روانی پایه بود. به منظور سازمان دادن، خلاصه کردن و طبقه‌بندی نمرات خام از آمار توصیفی استفاده شد و برای پیش‌بینی سهم و نقش متغیر مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چندمتغیره و در راستای تحلیل‌های تکمیلی از حیطه معادلات ساختاری (SEM) برای مدل‌سازی از تحلیل عامل و تحلیل مسیر با تأکید بر نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که سبک رهبری مربیان به‌طور مستقیم بر نیازهای روانی پایه بازیکنان مؤثر است. بنابراین به مربیان تیم‌های ورزشی پیشنهاد می‌شود سعی کنند از طریق ایجاد ارتباط بین‌فردی مثبت با ورزشکاران، تشویق ورزشکاران در نتیجه عملکرد مطلوب و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها شرایط ارضای نیازهای روانی پایه را در ورزشکارانشان فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی: سبک رهبری، نیازهای روانی پایه، کبدی.



مقدمه

زمینه اجتماعی تأثیر بسیار مهمی بر رشد انگیزه و رفاه ورزشکاران دارد (گوتیرز^۱، ۲۰۱۵؛ روچی^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). عواملی مانند والدین یا مربیان می‌توانند به‌طور قابل توجهی بر تجربه ورزشی تأثیر بگذارند و آن را به عاملی مثبت یا منفی تبدیل کنند. بنابراین، نظارت بر متغیرهای بیرونی که می‌توانند نحوه تجربه ورزشی را تعیین کنند، مناسب است (اوتیز^۳ و همکاران، ۲۰۱۶؛ پیندا^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). درواقع، عواملی مانند اعمال فشار بیش از حد بر ورزشکاران برای دستیابی به نتایج مطلوب یا ناتوانی در ایجاد لذت از فعالیت بدنی حتی می‌تواند آن‌ها را به ترک تمرینات ورزشی سوق دهد (آلکارز^۵، ۲۰۱۴). بنابراین، تجزیه و تحلیل رفتار مربیان و سبک تعامل آن‌ها با ورزشکاران یک حوزه تحقیقاتی بسیار جالب است.

از طرف دیگر عوامل متعددی بر موفقیت و عملکرد تیمی مؤثرند. پژوهشگران در تحقیقات متعددی سعی در شناختن این عوامل کرده‌اند. پژوهشگرانی که در زمینه روان‌شناسی ورزش بر روی نقش مربیان متمرکز شده بودند، تحقیقات خود را با این فرض که مربیان بر روی عملکرد رفتار ورزشکاران و همچنین سلامت روان‌شناختی و عاطفی آن‌ها تأثیر دارند، انجام دادند (مالری^۶، ۲۰۰۹). تیم‌های موفق ورزشی یک ویژگی برجسته دارند که آن‌ها را از تیم‌های ناموفق متمایز می‌سازد، و آن رهبری مؤثر، فعال و شایسته است. سبک رهبری و رفتار مربی نقش مهمی بر عملکرد و موفقیت گروه دارد (انشل مارک، ۲۰۰۱). بنابراین مربیان نیاز دارند که با سبک‌های رهبری مختلفی آشنایی داشته باشند و از به‌کارگیری سبک‌های گوناگون در حیطه وظایف خود آگاه بوده و چگونگی تأثیرات آن‌ها را بر عوامل مختلف موفقیت بدانند (پیتروزوک^۷، ۲۰۰۶). از این رو مربیانی که می‌خواهند در کار خود موفق شوند باید رهبران خوبی باشند (زرتشتیان، ۲۰۰۷). رهبری مؤثر در ورزش تابعی از اجرای نقش‌ها و سبک‌های گوناگون است تا نیازهای ورزشکاران را برآورده سازند و به هدف‌های تیمی دست یابند. سبکی که مربیان در رهبری به نمایش می‌گذارند مهم‌ترین خصوصیتی است که بر چگونگی ادراکی که تیم از او دارد اثر می‌گذارد. مطالعه رهبری از طریق دیدگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعات با رویکرد ویژگی و خصوصیات رهبری از دهه ۱۹۳۰ آغاز شد و با رویکرد رفتاری و

1. cutierrez
2. Rocchi
3. Ortiz
4. Pineda
5. Alcaraz
6. Mallory
7. Pietraszuk

اقتضایی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ ادامه یافت. یکی از رویکردهای خاص که پیرامون آن تحقیقاتی اندکی صورت گرفته، سبک رهبری در ورزش است که توسط چلادوری و ساله^۱ (۱۹۸۰) ارائه شد. آنان با استفاده از مدل پیشنهادی خود برای ارزیابی رهبری در محیط ورزشی ابزار را تدوین کردند (مالری، ۲۰۰۹؛ چلادوری و ساله، ۱۹۸۰).

تحقیقاتی که در مورد ارتباط بین سبک رهبری و رفتار مربیان انجام شده کم‌تر با عواملی چون انگیزش، انسجام، تحلیل رفتگی، بازخورد مثبت، نیازهای روانی و غیره صورت پذیرفته، و به رفتارهای مهم و سبک‌های مؤثر در مورد هریک اشاره کرده است. یکی از عواملی که می‌تواند بر بسیاری از فاکتورهای مؤثر بر عملکرد ورزشی ورزشکاران اثرگذار باشد ارضای نیازهای روانی پایه است (هادج^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). روان‌شناسان از نیازهای انسان تقسیم‌بندی‌های متنوع و متعددی را ارائه داده‌اند از جمله این تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به تقسیم‌بندی مازلو^۳ اشاره کرد که در یک طبقه‌بندی منطقی و پیشرفته، کمال‌طلبی را عالی‌ترین مرحله از نیازهای انسانی می‌داند. مزلو معتقد است اگر نیازی طرح شود و ارضا نشود فرد احساس ناآرامی و بیقراری می‌کند و این تنش باعث عدم تعادل در فرد می‌شود تا این که برای برطرف کردن این حالت به فعالیت یا هدف مشخصی بپردازد و با این فعالیت تعادل را در خود به‌وجود آورد. بنابراین زمانی که یک نیاز برآورده شد آن نیاز دیگر هدف نیست و فرد به مراحل بالاتر کشیده می‌شود (استیفن رابینز، ۲۰۰۷). بنابراین مربیان هنگام تجزیه و تحلیل رفتار ورزشکاران باید فهرستی از این نیازها را در ذهن داشته باشند تا بتوانند تحلیل درستی از رفتارها، انگیزه‌ها و علت‌ها ارائه دهند. در میان چارچوب‌های نظری موجود برای ارزیابی این موضوع، یکی از اثرگذارترین رویکردهایی که در حال حاضر برای مطالعه انگیزش در ورزش مورد استفاده قرار گرفته، نظریه خودمختاری است (دسی و رایان، ۱۹۸۵؛ دسی و رایان، ۲۰۰). این یک نظریه بزرگ است که میزان استقلال یا ارادی بودن رفتار انسان را تحلیل می‌کند و از شش نظریه کوچک تشکیل شده است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه نیازهای روانی پایه است که در تعدادی از مطالعات به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این نظریه به روابط بین ارضا یا خنثی کردن نیازهای روانی پایه (استقلال، پیوستگی و شایستگی) و رفاه یا نابسامانی اشاره دارد (دسی و رایان ۲۰۰؛ دسی و رایان، ۲۰۱۷). خنثی کردن این سه نیاز اساسی، تجربه‌ای بدتر و تهدیدکننده‌تر از عدم ارضای آن‌ها تلقی می‌شود (بارتولومی^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). استقلال یا خودمختاری به تجربه اراده و تمایل اشاره دارد. وقتی

1. Chelladurai & Saleh,
2. Hodge
3. Maslow
4. Bartholomew



رضایت هست، مردم احساس یکپارچگی می‌کنند. هنگامی که آن را به‌عنوان مانعی درک می‌کنند، احساس فشار را تجربه می‌کنند. پیوستگی یا ارتباط نشان‌دهنده تجربه، پیوند و مراقبت است و از طریق برقراری ارتباط با دیگران و احساس معنادار بودن برای آن‌ها ارضا می‌شود. تضعیف وابستگی باعث احساس بیگانگی اجتماعی و تنهایی می‌شود. شایستگی به تجربه کارآمدی و تسلط اشاره دارد، و از طریق فرصت‌هایی برای استفاده و گسترش مهارت‌ها و تجربه ارضا می‌شود. خنثی کردن شایستگی به‌عنوان یک احساس ناکارآمدی یا حتی شکست تجربه می‌شود (وان استینکیت^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات نشان داده‌اند که ارضای نیازهای اساسی پایه به افزایش انگیزه درونی، لذت بیشتر ورزشکاران از فعالیت بدنی و درجه بالاتر پای‌بندی به فعالیت کمک می‌کند (ادمونز^۲ و همکاران، ۲۰۰۶؛ جین و همکاران، ۲۰۱۴). درک ورزشکاران از توانایی‌های خود اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود احساس بهتری نسبت به کار داشته باشند. علاوه بر این، افرادی که در انتخاب یک فعالیت احساس آزادی می‌کنند و کم‌تر متعهد هستند، احساس راحتی بیشتری با آن دارند. درنهایت، یک محیط اجتماعی مناسب و برقراری روابط بین‌فردی مثبت، پای‌بندی را ترویج می‌کند (وان استینکیت و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژن^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، تحلیل چگونگی ارتباط سبک تعامل مربی با ارضای یا عدم ارضای نیازهای روانی پایه، جالب است. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که رفتار مربی برای ارضای نیازهای روانی پایه تعیین‌کننده است (بالاگر و همکاران، ۲۰۱۲؛ پیندا^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). براساس تئوری خودمختاری، مربیان می‌توانند دو راه را برای تعامل با ورزشکاران اتخاذ کنند: سبک کنترلی یا سبک حمایت از خودمختاری. هنگامی که مربیان از سبک کنترلی استفاده می‌کنند، مستبدتر هستند، کم‌تر حق انتخاب می‌دهند، فشار بیشتری بر ورزشکاران خود وارد می‌کنند، سعی می‌کنند طرز تفکر خود را تحمیل کنند و سعی نمی‌کنند نسبت به ورزشکار همدلی کنند (بلانچارد و همکاران، ۲۰۰۹). این رفتارها بسیار مهم هستند، زیرا می‌توانند پیامدهایی بر نحوه ارتباط ورزشکاران با ورزش و نحوه عملکرد آن‌ها در رابطه با آن در آینده داشته باشند.

بنابراین، هنگامی که مربیان یک سبک تعامل کنترلی از خود نشان می‌دهند، می‌تواند اثرات منفی بر ورزشکاران داشته باشد، همانطور که چندین مطالعه نشان داده است که خنثی کردن نیازهای روانی پایه، باعث پریشانی جسمی و روانی و یک تجربه ورزشی کم‌تر رضایت‌بخش می‌شود

1. Vansteenkiste
2. Edmunds
3. Gene
4. Pineda

(مارس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ کانتوتو^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال، زمانی که مربیان از خودمختاری حمایت می‌کنند، ارضای نیازهای روانی پایه و رفاه بیشتر ورزشکاران را ارتقا می‌دهند، انعطاف‌پذیرترند و کم‌تر اجبار می‌کنند، انتخاب بیشتری می‌دهند و تمایل دارند خود را به جای ورزشکار قرار دهند (بارتولومی و همکاران ۲۰۱۰؛ دسی و رایان، ۱۹۸۸). بنابراین، این رفتار به تجربه مثبت‌تر از فعالیت بدنی و رضایت بیشتر از کار در حال اجرا منجر می‌شود (آلوارز^۳ و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریگال^۴ و همکاران، ۲۰۱۸).

ریچر و والرند^۵ (۱۹۹۵) در نتیجه مطالعه خود دریافتند هنگامی که مربیان به جای شیوه کنترل‌کننده‌تر از شیوه حمایتی — استقلال استفاده می‌کنند، ورزشکاران سطوح بالایی از انگیزش درونی، استقلال و شایستگی را نشان می‌دهند (ریچر و والرند، ۱۹۹۵). گین^۶ و همکاران (۲۰۰۳) بخشی از مطالعه خود را به بررسی ارتباط بین رفتارهای حمایتی — استقلال مربی و ارضای نیازهای روانی زنان ژیمناست جوان پرداختند و به رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر دست یافتند و رفتارهای حمایتی — استقلال مربی بر ارضای نیازهای شایستگی، پیوستگی و استقلال بازیکنان اثر دارد (گین و همکاران، ۲۰۰۳). رینبوت^۷ و همکاران (۲۰۰۴) در بخشی از مطالعه خود به بررسی ارتباط بین رفتار مربی و ارضای نیازهای روانی بازیکنان کریکت و فوتبال پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رفتارهای حمایتی — استقلال مربی می‌تواند ارضای نیازهای استقلال، شایستگی و پیوستگی بازیکنان را پیش‌بینی کند (رینبوت و همکاران، ۲۰۰۴).

هولمبرک و آمروس^۸ (۲۰۰۵) نیز با استفاده از مدل ساختاری نشان دادند که سبک رهبری مربیان در ارتباط مستقیم با درک از استقلال و وابستگی ورزشکاران دانشگاهی است. همچنین آن‌ها نشان دادند که از بین رفتارهای رهبری مربیان رفتار تمرین و آموزش با درک از شایستگی رابطه مثبت و با استقلال ارتباط منفی دارد. رفتار بازخورد مثبت ارتباط منفی با ادراک از شایستگی و ارتباط مثبت با پیوستگی داشت. رفتار استبدادی ارتباط منفی با وابستگی و استقلال بازیکنان داشت. رفتار دموکراتیک با استقلال رابطه مثبت داشت و در نهایت رفتار حمایت اجتماعی با ادراک از وابستگی بازیکنان رابطه مثبت داشت (هولمبرک و آمروس،

1. Mars
2. Cantu
3. Alavarez
4. Reigal
5. Richer & Vallerand
6. Gagne
7. Reinboth
8. Hollembeak & Amorose



۲۰۰۵). استاندریج^۱ و همکاران (۲۰۰۶) با مطالعه‌ای که در کلاس تربیت بدنی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که درک دانش‌آموزان از رفتار حمایتی — استقلال مری به‌طور مثبت درک استقلال، شایستگی و پیوستگی آنان را پیش‌بینی می‌کند. ضمن این‌که دریافتند رفتار حمایتی — استقلال مری از طریق ارضای این نیازها به‌عنوان میانجی بر انگیزش خودمختاری اثر دارد (استاندریج و همکاران، ۲۰۰۶). اسمیت^۲ و همکاران (۲۰۰۷) به دنبال پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که رفتار حمایتی — استقلال مری بر ارضای هر سه نیاز اثر دارد و به‌طور مثبتی آن را پیش‌بینی می‌کند (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷). بالاگوئر^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای که بر روی ورزشکاران رقابتی در رشته‌های مختلف پرداختند، گزارش دادند که درک رفتار حمایتی — استقلال مری با افزایش ارضای نیازهای استقلال و پیوستگی همراه است (بالاگوئر و همکاران، ۲۰۰۸). کوتس ورث و کنروی^۴ (۲۰۰۹)، اثر رفتار حمایتی — استقلال مری را بر ارضای نیاز ورزشکاران، مطالعه کردند و نشان دادند که این رفتار مری می‌تواند ارضای نیاز شایستگی و پیوستگی ورزشکار در ارتباط با مربیگری را پیش‌بینی کند (کوتس ورث و کنروی، ۲۰۰۹).

آلماگرو^۵ و همکاران (۲۰۱۰) در نتیجه بخشی از مطالعه خود دریافتند که رفتار حمایتی — استقلال مری با ارضای نیاز استقلال بازیکنان ارتباط مثبت و معناداری دارد و نیز آن را پیش‌بینی می‌کند (آلماگرو و همکاران، ۲۰۱۰).

نتایج یک مطالعه طولی با بازیکنان جوان فوتبال توسط بالاگرو^۶ و همکاران (بالاگرو و همکاران، ۲۰۱۲) نشان داد که تغییرات در درک حمایت از خودمختاری مری، تغییراتی را در ارضای نیازها پیش‌بینی می‌کند، و زمانی که مری رفتار مستبدانه را اتخاذ می‌کند و بر ورزشکاران فشار می‌آورد، آن‌ها احساس سرکوب، ناتوانی و طرد شدن می‌کنند. در مطالعه دیگری توسط کاستیلو^۷ و همکاران (۲۰۱۲)، روابط مشابه بین سبک کنترل بین‌فردی و رفع نیازهای اساسی روان‌شناختی یافت شد. کاستیلو و همکاران دریافتند که یک سبک مربیگری کنترلی به‌طور مثبت با خنثی کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی مرتبط است. مارس^۸ و همکاران (مارس و همکاران، ۲۰۱۷) نمونه‌ای از بازیکنان فوتبال زیر چهارده و زیر شانزده سال را تجزیه و تحلیل کردند و یک

1. Standage
2. Smith
3. Balaguer
4. Coatsworth & Conroy
8. Almagro
6. Balaguer
7. Castillo
8. Mars

همبستگی مثبت بین سبک مربیگری کنترلی، خنثی کردن نیازهای اساسی پایه یافتند. ورونیکا^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان روابط میان سبک کنترل درون فردی مربیان با ارضای نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی، در بازیکنان فوتبال نوجوان به این نتیجه رسیدند که ادراک سبک کنترلی مربیان به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مثبت برای خنثی کردن نیازهای روانی پایه عمل می‌کند. در این مطالعه، هر یک از نیازها به‌طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مشاهده شد که یک سبک کنترلی دارای قدرت پیش‌بینی قابل توجهی برای خنثی کردن هر یک از آن‌ها (استقلال، شایستگی و پیوستگی) دارد. آن‌ها دریافتند که در متغیر سبک کنترلی، شاخصی که بیشترین وزن را داشت، حمایت شرطی منفی بود، که می‌توان آن را به‌عنوان خودداری از توجه و یک اقدام زمانی که رفتارهای موردنظر توسط بازیکنان نشان داده نمی‌شود، تعریف کرد. در مورد متغیر خنثی‌سازی نیاز روانی، شاخص‌هایی که بیشترین وزن را نشان دادند، استقلال و شایستگی بودند.

بنابراین سبک‌های رهبری در موقعیت‌های گوناگون متفاوت است. از این رو، تعیین ویژگی‌های سبک‌های رهبری، توصیف مزایا و محدودیت‌های آن‌ها و تعیین زمان‌های که بیشترین مناسبت را دارند، حائز اهمیت خواهد بود. چه‌بسا گزینش یک سبک خاص رهبری منتج به نتیجه مطلوب نشود و در نهایت مربی، تیم و باشگاه به هدف موردنظر خود دست نیابند و تمام هزینه‌ها و وقت‌های صرف‌شده بیهوده از بین برود. سبک رهبری مربی می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مهم در موفقیت ورزشکار و ارضای نیازهای روانی بازیکنان مورد توجه قرار گیرد. سبک رهبری و نحوه رفتار مربی در ورزش حائز اهمیت است و از گذشته‌های دور نیز به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های اساسی مربی به حساب آمده است. بنابراین مسئله مورد توجه در این پژوهش پی بردن به رابطه بین متغیرهای سبک رهبری مربیان و ارضای نیازهای روانی پایه در جهت کشف مناسب‌ترین شکل رهبری در ارتباط با چگونگی ارضای نیازهای روانی پایه در تیم‌های ورزشی است، که می‌تواند در رسیدن به اهداف خود مفید واقع شود. این گونه پژوهش‌ها می‌تواند یکی از موضوعاتی باشد که همواره بیشترین تحقیقات را در روان‌شناسی و علم مدیریت به خود اختصاص داده و در واقع از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که در ابتدای قرن ۲۱، محققان در تحقیقات فراوانی با دیدگاه‌ها و شیوه‌های مختلف به بررسی رهبری و نوع رفتارهایی که کارایی رهبری را می‌افزاید پرداخته‌اند. با این حال، هنوز محققان به‌درستی خصوصیات و ویژگی‌های رهبری مؤثر در ارتباط با متغیرهای مختلف را شناسایی نکرده‌اند، بنابراین شناسایی این موضوع به‌لحاظ تأثیرات مربیان از طرق گوناگون بر ورزشکار و زندگی او پراهمیت است. بنابراین در پی انواع تقسیم‌بندی‌های متنوع شیوه‌های رهبری یافتن مناسب‌ترین و اثربخش‌ترین شیوه در ارضای نیازهای روانی پایه

1. Verónica



ورزشکاران، از ارزش بسیاری برخوردار است. دست یافتن به این اطلاعات، مستلزم انجام پژوهش و یافتن ارتباط موجود بین متغیرهای مورد مطالعه است. بنابراین اگر بتوانیم با انجام چنین پژوهش‌هایی آگاهی مربیان و توجه آن‌ها را به این عامل که آن‌ها تا چه اندازه می‌توانند در تسریع رشد و شکوفایی استعداد و برآورده کردن نیازهای روانی پایه بازیکنان و همچنین پیشگیری از افت عملکرد دخیل باشند، کمک بس بزرگی را به باشگاه‌های ورزشی و مربیان و به‌طور کلی دست‌اندرکاران ورزشی کشور و تیم‌های کبده کرده باشیم.

با توجه به اهمیت سبک رهبری مربیان و ارضای نیازهای روانی در فرایندهای تبعیت از ورزش و رفاه بازیکنان، هدف این پژوهش بررسی روابط بین سبک رهبری مربیان با ارضای نیازهای روانی پایه در بازیکنان لیگ برتر کبده بود. علاوه بر این، یک مدل معادلات ساختاری برای تعیین این که آیا سبک رهبری مربیان پیش‌بینی‌کننده ارضای نیازهای روانی است مورد استفاده قرار گرفت.

روش‌شناسی

با توجه به این که این پژوهش ارتباط سبک رهبری مربیان با ارضای نیازهای روانی پایه بازیکنان لیگ برتر کبده را مورد مطالعه قرار می‌دهد، مناسب‌ترین روش برای انجام تحقیق، روش هم‌بستگی است. جامعه آماری این تحقیق را تمام بازیکنان لیگ برتر کبده ایران در غلب دوازده تیم (ایثار محمدآباد، سجاد زابل، هیئت کبده کرمانشاه، شهدای تربیت جام، دهیاران تالش، تختی تهران، راه و ترابری اصفهان، هیئت کبده سیستان و بلوچستان، راه و ترابری گلستان، مقاومت نقده، هیئت کبده کبودرآهنگ و هیئت کبده ملایر) و به تعداد ۱۴۴ نفر در سال ۱۳۸۹ تشکیل داده‌اند و کل جامعه آماری به‌عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شد که از این میان هشت نفر به دلایل مختلف در این تحقیق شرکت نداشتند و شانزده نفر دیگر چون زیر شش ماه با مربی کنونی خود بازی کرده‌اند و شناخت کافی از او را نداشته خارج از نمونه آماری به حساب می‌آیند. متغیرهای این پژوهش، سبک‌های رهبری (تربیت و آموزش، بازخورد مثبت، حمایت اجتماعی، شیوه استبدادی و شیوه دموکراتیک)، ارضای نیازهای روانی پایه (استقلال، شایستگی و پیوستگی) بازیکنان بود. متغیرهای فوق همگی کمی و پیوسته بوده‌اند و در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری می‌شوند. با توجه به اهداف تحقیق، بهترین ابزار برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، پرسش‌نامه بود. به همین منظور از دو پرسش‌نامه به شرح زیر استفاده شده است: پرسش‌نامه مقیاس رهبری ورزش (LSS)، که توسط چلادوری و ساله (۱۹۸۰) ساخته شده است و توسط محمدزاده هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه شامل پنج خرده‌مقیاس با عنوان تمرین و آموزش، حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت، شیوه استبدادی و شیوه دموکراتیک (آزادمنشانه) است. این پرسش‌نامه شامل ۴۰ سؤال از نوع بسته و براساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت اندازه‌گیری می‌شود. ضرایب پایایی درونی در پژوهش حاضر برای جنبه‌های فوق به

ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۶، ۰/۷۰، ۰/۷۶ و ۰/۷۹ به دست آمد. برای ارزیابی دیدگاه ورزشکاران در مورد ارضای نیازهای روانی پایه از پرسش‌نامه ارضای نیازهای روانی پایه استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای نوزده سؤال است که نیازهای روانی را در سه خرده‌مقیاس نیاز به احساس شایستگی، نیاز به درک استقلال و نیاز به ارتباط با دیگران اندازه‌گیری می‌کند. احساس شایستگی با سه سؤال که توسط هولم بگ (۲۰۰۳) طراحی شد، ارزیابی می‌شود. در تحقیق حاضر ۰/۷۲ به دست آمد. احساس شرکت‌کنندگان در مورد استقلال خود با شش سؤال که توسط دسی و رایان (۱۹۸۵) طراحی و ساخته شد، ارزیابی می‌گردد. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در تحقیق حاضر ۰/۷۰ به دست آمد. همچنین احساس ورزشکاران در مورد ارتباط و پیوستگی‌شان با مربی و بازیکنان تیم با ده سؤال که توسط ریچر و والرند (۱۹۹۸) ساخته شد، ارزیابی می‌شود. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در تحقیق حاضر ۰/۷۱ به دست آمد. در این پژوهش به منظور سازمان دادن و خلاصه کردن نمرات خام و توصیف اندازه‌های نمونه از آمار توصیفی (میانگین، درصدها، فراوانی، انحراف معیار، رسم نمودارها و جداول) استفاده می‌شود. همچنین با تأکید بر شیوه‌های نوین در حیطه مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ (SEM) از شیوه تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (۹/۲) استفاده می‌شود.

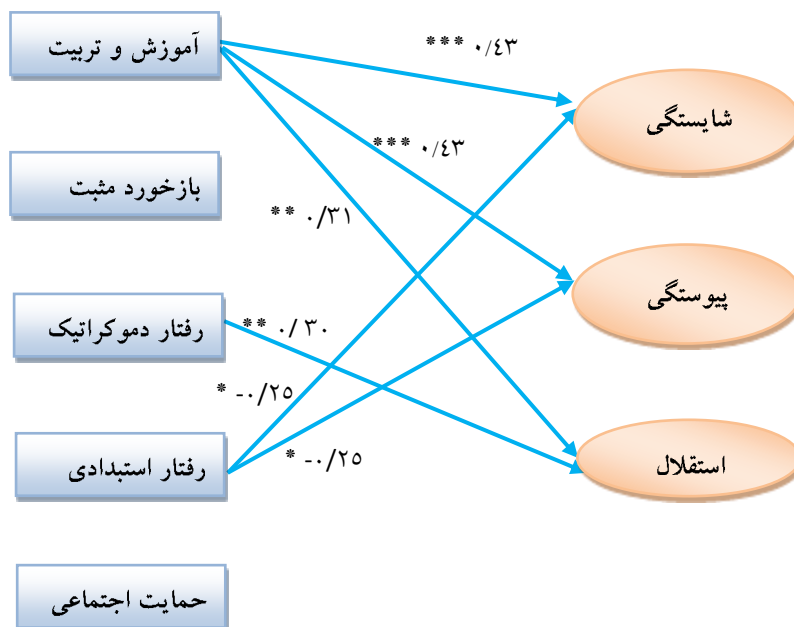
یافته‌ها

فرض کلی تحقیق: سبک رهبری مربیان با ارضای نیازهای روانی پایه بازیکنان رابطه معنی‌داری دارد.

جمع‌بندی نتایج تحقیق با تحلیلی بر مدل مسیر

الگوی مسیر (شکل ۱) نتایج نشان داد از بین سبک‌های رهبری مربیان، رفتار آموزش و تربیت با ضریب مسیر «۰/۴۳» در ایجاد احساس شایستگی و رفتار استبدادی با ضریب مسیر «-۰/۲۵» در کاهش درک از شایستگی ورزشکاران مؤثر است. همچنین رفتار آموزش و تربیت با ضریب مسیر «۰/۴۳» در ایجاد درک از پیوستگی و رفتار استبدادی با ضریب مسیر «-۰/۲۵» در کاهش درک از احساس پیوستگی مؤثر است. رفتار تربیت و آموزش با ضریب مسیر «۰/۳۱» در درک از استقلال و رفتار دموکراتیک با ضریب مسیر «۰/۳۰» باعث افزایش درک از استقلال می‌شود.

1. Structure Equation model



* $\alpha=0/05$ ** $\alpha=0/01$ *** $\alpha=0/001$

شکل ۱. مدل مسیر

در مرحله تحلیل عامل، با تأکید بر ارزش ویژه^۱ بالاتر از ۱ که از آن به عنوان مجموع بارهای عاملی^۲ صحبت می‌شود، استفاده شد. پس از تحلیل عامل تأییدی^۳ (CFA) مشخص شد که مولفه‌های سبک‌های رهبری به عنوان عوامل اصلی در نظر گرفته شدند و این عوامل به عنوان متغیرهای مشاهده شده عنوان شدند. با وجود این، در فرایند تحلیل عامل، یک متغیر مکنون یا پنهان، به عنوان عامل پنهان تحت عنوان ارضای نیازهای روانی پایه استنباط شد که در آن ۱۹

1. Eigen value
2. Loading Factors
3. Confirm Factor analysis

سؤال با ارزش ویژه ۱ آن را تشکیل دادند. ۳ سؤال مرتبط با عامل شایستگی، ۱۰ سؤال مرتبط با عامل پیوستگی و ۶ سؤال مرتبط با عامل استقلال جای داشت. گفتنی است که تمامی ۱۹ سؤال مرتبط با این عامل مکنون، دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ بودند. با دقت و موشکافی عمیق پژوهشگر و با رجوع به مباحث نظری، این سازه مکنون، تحت عنوان ارضای نیازهای روانی پایه مطرح شد.

در مرحله بعد که تحلیل عامل انجام گرفت و یک سازه مکنون تأیید شد، مدل نظری با تأکید بر متغیر وابسته نیازهای روانی تدوین شد که در آن متغیرهای مستقل برونزا و یا متغیرهای مستقل جریان دهنده تحت عنوان پنج متغیر تربیت و آموزش، بازخورد مثبت، رفتار دموکراتیک، حمایت اجتماعی و رفتار استبدادی عنوان شدند. همچنین، سه متغیر مستقل درونزا یا جریان گیرنده که به عنوان متغیرهای مکنون نیز عنوان می شوند، در نظر گرفته شدند که یکی از این متغیرهای مستقل درونزا به صورت مکنون در نظر گرفته شد. این سه متغیر مستقل درونزا تحت عنوان شایستگی، پیوستگی و استقلال (متغیر مکنون) در نظر گرفته شدند. پس از این که مدل مذکور با تأکید بر تحلیل عامل و تحلیل مسیر، به وسیله داده های تجربی طراحی شد، به برازش این مدل پرداخته شد و شاخص های مرتبط با نیکویی برازش و خطاهای اندازه گیری به دست آمد که در این زمینه، از پنج شاخص متفاوت استفاده شد و علاوه بر شاخص مجذور کای^۱ (نسبت درست نمایی)، شاخص لوئیز - تاکر^۲ (شاخص برازش غیر نرم)^۳، بونت - بنتلر^۴ (شاخص برازش نرم شده)^۵، شاخص هولتر^۶ و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۷ در نظر گرفته شد. با تأکید بر تمامی این پنج شاخص، مشخص شد که مدل مزبور، از برازش برخوردار است و کارایی بالایی را در توصیف روابط بین متغیرها و تبیین متغیر نیازهای روانی از طریق متغیرهای تربیت و آموزش، بازخورد مثبت، رفتار دموکراتیک، حمایت اجتماعی و رفتار استبدادی را داراست. جدول زیر معرف شاخص های مرتبط با برازش مدل ارائه شده توسط محقق است.

-
1. Chi Square
 2. Tucker- Lewis index
 3. non norm fit index
 4. Bentler- Bonett
 5. norm fit index
 6. Hoelter
 7. Root- Mean- Squire- error- approaimation(RMSEA)



جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	میزان	تفسیر
مجدورکای (نسبت درست‌نمایی)	۳۸۲/۶۹	برازش کامل در سطح $\alpha = 0/001$
لوئیز - تاکر (شاخص برازش غیرنرم)	۰/۹۶	برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)
بونت - بنتلر (شاخص برازش نرم‌شده)	۰/۹۹	برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)
هولتر	۰/۷۶	برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۷۰)
ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب	۰/۰۵	برازش عالی (ملاک کم‌تر یا مساوی ۰/۰۵)

در جمع‌بندی نهایی پژوهش حاضر، مطرح می‌شود که مدل پیشنهادی پژوهشگر، از برازش کاملی برخوردار بوده، زیرا مجدورکای در نسبت درست‌نمایی بالاتر از ۳۰۰ بوده $\chi^2 = 382/69$ و در سطح $\alpha = 0/001$ معنی‌دار است. همچنین، شاخص برازش غیرنرم لوئیز - تاکر (۰/۹۶) و شاخص برازش نرم‌شده بونت بنتلر (۰/۹۹)، بالاتر از ۰/۹۰ بوده است. علاوه بر آن، شاخص هولتر (۰/۷۶) بالاتر از ۰/۷۰ بوده و برازش مطلوب را نشان می‌دهد. همچنین، ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب (۰/۰۵)، برابر با ۰/۰۵ بوده و معرف برازش مدل محقق است. در نهایت، می‌توان اثرات مستقیم متغیرهای برون‌زا را بدین ترتیب عنوان کرد:

به صورت کلی می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که رفتارهای رهبری مربیان به صورت مستقیم در ارضای نیازهای روانی پایه (درک شایستگی، پیوستگی و استقلال) بازیکنان اثر دارد. به طور کلی رفتارهای رهبری مربیان عامل مهم و اثرگذاری در ارضای نیازهای روانی پایه ورزشکاران است و ارضای نیازهای روانی پایه توسط مربی می‌تواند عملکرد بازیکنان را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، به مربیان پیشنهاد می‌شود تا با اتخاذ رفتارهای مناسب رهبری این اثرگذاری را تسهیل کنند. نتایج تحقیق نشان داد که از بین سبک‌های رهبری مربیان، رفتارهای آموزش و تربیت، رفتار دموکراتیک و استبدادی ارتباط معناداری با ارضای نیازهای روانی پایه (شایستگی، پیوستگی، استقلال) دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مربیان بیشتر از رفتارهای آموزش و تربیت و دموکراتیک در برآورده شدن نیازهای روانی ورزشکارانشان استفاده کنند و کم‌تر از رفتار استبدادی استفاده کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر سبک رهبری مربیان بر ارضای نیازهای روانی پایه بازیکنان لیگ برتر کبده بود. یافته‌های تحقیق به طور کلی با تأیید فرضیه تحقیق نشان داد که سبک رهبری مربیان بر ارضای نیازهای روانی بازیکنان کبده اثر مثبت معنی‌داری دارد. همچنین

رابطه بین مؤلفه‌های این دو متغیر نشان داد که بین سبک رفتاری تربیت و آموزش مربی با نیاز به شایستگی، پیوستگی و استقلال رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، و بین سبک رفتار استبدادی با نیاز به شایستگی رابطه منفی معناداری وجود دارد. از طرفی دیگر نتایج تحقیق نشان داد بین رفتار دموکراتیک مربیان با نیاز به استقلال رابطه مثبت وجود دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات ریچر و والرند (۱۹۹۵)، گین و همکاران (۲۰۰۳)، رینبوت و همکاران (۲۰۰۴)، استلندیچ و همکاران (۲۰۰۶)، اسمیت و همکاران (۲۰۰۷)، بالاگوئر و همکاران (۲۰۰۸)، کوتس ورث و کنروی (۲۰۰۹)، آلماگرو و همکاران (۲۰۱۰)، بالاگروئر و همکاران (۲۰۱۲)، که بین رفتارهای حمایتی - استقلالی مربی و ارضای نیازهای استقلال، شایستگی و پیوستگی بازیکنان نتایج مثبت و معناداری را گزارش کرده بودند همسو و مکمل است. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات، هولمبرک و آمروس (۲۰۰۵) - که با استفاده از مدل ساختاری نشان دادند که سبک رهبری مربیان در ارتباط مستقیم با درک از استقلال و وابستگی ورزشکاران دانشگاهی است همچنین آن‌ها نشان دادند که از بین رفتارهای رهبری مربیان رفتار تمرین و آموزش با درک از شایستگی رابطه مثبت و با استقلال ارتباط منفی دارد. رفتار بازخورد مثبت ارتباط منفی با ادراک از شایستگی و ارتباط مثبت با نیاز به پیوستگی داشت. رفتار استبدادی ارتباط منفی با وابستگی و نیاز به استقلال بازیکنان داشت. رفتار دموکراتیک با نیاز به استقلال رابطه مثبت داشت. و در نهایت رفتار حمایت اجتماعی با ادراک از وابستگی بازیکنان رابطه مثبت داشت - مشابه و مکمل است.

در مطالعه دیگری توسط کاستیلو و همکاران (۲۰۱۲) روابط مشابه بین سبک کنترل بین‌فردی و رفع نیازهای اساسی روان‌شناختی یافت شد. کاستیلو و همکاران دریافتند که یک سبک مربیگری کنترلی به‌طور مثبت با خنثی کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی مرتبط است. مارس و همکاران (۲۰۱۷) نمونه‌ای از بازیکنان فوتبال زیر چهارده و زیر شانزده سال را تجزیه و تحلیل کردند و یک هم‌بستگی مثبت بین سبک مربیگری کنترلی، خنثی کردن نیازهای اساسی پایه یافتند. ورونیکا و همکارانش (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان روابط میان سبک کنترل درون‌فردی مربیان با ارضای نیازهای روانی پایه و تحلیل رفتگی، در بازیکنان فوتبال نوجوان به این نتیجه رسیدند که ادراک سبک کنترلی مربیان به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مثبت برای خنثی کردن نیازهای روان‌شناختی پایه عمل می‌کند. در این مطالعه، هریک از نیازها به‌طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مشاهده شد که یک سبک کنترلی دارای قدرت پیش‌بینی قابل توجهی برای خنثی کردن هریک از آن‌ها (استقلال، شایستگی و پیوستگی) دارد. آن‌ها دریافتند که در متغیر سبک کنترلی، شاخصی که بیشترین وزن را داشت، حمایت شرطی



منفی بود، که می‌توان آن را به‌عنوان خودداری از توجه و یک اقدام زمانی که رفتارهای مورد نظر توسط بازیکنان نشان داده نمی‌شود، تعریف کرد. درمورد متغیر ارضای نیازهای روانی، شاخص‌هایی که بیشترین وزن را نشان دادند، استقلال و شایستگی بودند.

نتایج نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین سبک رفتاری تربیت و آموزش مربی با تمام مؤلفه‌های نیازهای روانی پایه (نیاز به شایستگی، پیوستگی و استقلال) است. تربیت و آموزش در واقع توصیه‌های مهارتی، تکنیکی و تاکتیکی در ورزش است که به‌منظور بهبود عملکرد مورد استفاده قرار می‌گیرد و دلیل این ارتباط می‌تواند این باشد که مربیان در زمان آموزش و تمرین برای اثربخشی بیشتر تمرینات به ورزشکاران نزدیک‌تر و این رفتار مربی باعث می‌شود که بازیکنان احساس کنند که بیشتر از طرف مربی مورد توجه قرار می‌گیرند و از طریق ارتباطی که حین تمرین با مربی دارند نیاز به پیوستگی یا ارتباط در آن‌ها ارضا شود، از طرف دیگر چون با تمرین و آموزش میزان مهارت بازیکنان افزایش می‌یابد بنابراین بازیکنان در خود احساس کارآمدی، تجربه و تسلط می‌بینند و احساس می‌کنند که برای تیم مؤثرند و همین عامل نیاز به شایستگی را در آن‌ها ارضا می‌کند. همچنین وقتی مربی در تمرین و آموزش بازیکنان را در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌دهند این عامل باعث می‌شود که بازیکنان احساس استقلال کنند. طبق نظر مازلو اگر نیازی طرح شود و ارضا نشود فرد احساس ناآرامی و بیقراری می‌کند و این تنش باعث عدم تعادل در فرد می‌شود تا این که برای برطرف کردن این حالت به فعالیت یا هدف مشخصی بپردازد و با این فعالیت تعادل را در خود به‌وجود آورد. بنابراین زمانی که یک نیاز برآورده شد آن نیاز دیگر هدف نیست و فرد به مراحل بالاتر کشیده می‌شود. بنابراین وقتی که مربی با انتخاب یک سبک رهبری مناسب باعث شود که نیازهای بازیکنان ارضا شود بازیکنان دیگر احساس ناآرامی و بیقراری نمی‌کنند و عملکرد آن‌ها و درنهایت عملکرد تیمی افزایش پیدا خواهد کرد و تیم به موفقیت دست پیدا خواهد کرد.

از طرف دیگر نتایج تحقیق نشان داد که بین رفتار استبدادی مربیان با نیاز به شایستگی رابطه منفی معناداری وجود دارد، یعنی هرچقدر مربیان از رفتار استبدادی استفاده می‌کنند به همان نسبت ارضای نیاز به شایستگی در بازیکنان کاهش می‌یابد. رفتار استبدادی رفتار اتخاذ تصمیم است که شامل تصمیم‌گیری‌های مستقل مربی با تکیه بر اختیار و اقتدار شخصی اوست، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که زمانی که مربیان بیشتر، بازیکنان را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تیم مشارکت می‌دهند این امر باعث می‌شود که آن‌ها احساس کنند که از جانب مربی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و برعکس زمانی که کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند باعث می‌شود که احساس کنند که مربیان کم‌تر به آن‌ها توجه می‌کنند. بنابراین زمانی که مربی رفتار مستبدانه

را اتخاذ می‌کند فشار بیشتری بر ورزشکاران خود وارد می‌کند، کم‌تر حق انتخاب می‌دهند، سعی می‌کنند طرز تفکر خود را تحمیل کنند و سعی نمی‌کنند نسبت به ورزشکار همدلی کنند. بنابراین آن‌ها احساس سرکوب شدن، ناتوانی و طرد شدن می‌کنند. این رفتارها بسیار مهم هستند، زیرا می‌توانند پیامدهایی بر نحوه ارتباط ورزشکاران با ورزش و نحوه عملکرد آن‌ها در آینده داشته باشند، و همین امر باعث می‌شود عملکرد بازیکنان کاهش یابد و احساس شایستگی در آن‌ها ارضا نشود و باعث کاهش عملکرد بازیکنان و در نتیجه تیم شود.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین رفتار دموکراتیک با نیاز به استقلال رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. رفتار دموکراتیک رفتار اتخاذ تصمیم است که مربیان از این طریق، اجازه می‌دهند که ورزشکاران در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. با این حال، زمانی که مربیان از استقلال حمایت می‌کنند، ارضای نیازهای روانی پایه و رفاه بیشتر ورزشکاران را ارتقا می‌دهند، انعطاف‌پذیرترند و کم‌تر اجبار می‌کنند، انتخاب بیشتری می‌دهند و تمایل دارند خود را به جای ورزشکار قرار دهند. بنابراین، این رفتار به تجربه مثبت‌تر از فعالیت بدنی و رضایت بیشتر از کار در حال اجرا منجر می‌شود.

برای این‌که ورزشکاران بتوانند فعالیت خود را به شیوه‌ای فزاینده تعیین کنند، مربیان باید یک سبک حمایت از خودمختاری را ایجاد کنند که معنای فعالیت‌هایی را که انجام می‌دهند منتقل کند، از آزادی حمایت کند، استقلال را ارتقا و ورزشکاران را در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت دهد. علاوه بر این، فقط در مرحله نوجوانی نیست که ورزشکاران به مربیان خود نیاز دارند تا از استقلال آن‌ها حمایت کنند. در ورزشکاران رقابتی سطح بالا، حمایت مربیان از استقلال، احساس استقلال و رفاه را نیز افزایش می‌دهد.

بنابراین با توجه به پیشینه‌های تحقیق و نتایج پژوهش حاضر می‌توان عنوان کرد ورزشکاران دوست دارند که مربی به منظور برآورده کردن نیازهایشان و همچنین بهبود عملکرد ورزشی‌شان از رفتارهایی همچون تأکید کردن، تسهیل تمرین و مشخص کردن ارتباط‌های بین بازیکنان استفاده کنند و همچنین کم‌تر از تصمیم‌گیری‌های مستقل استفاده کنند و به آن‌ها اجازه دهند که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تیم مشارکت کنند و آن‌ها را بیشتر مورد توجه قرار دهند. بنابراین به مربیان تیم‌های ورزشی و به‌خصوص مربیان رشته کبدی پیشنهاد می‌شود که به‌منظور ارضای نیازهای روانی بازیکنان و عملکرد مطلوب آن‌ها و موفقیت تیم در مسابقات، بیش از رفتارهای تمرین و آموزش و رفتار دموکراتیک استفاده کنند و کم‌تر از رفتار استبدادی بهره ببرند.



References

- Almagro, B. J., Saenz-Lopez, P., & Moreno, J. A. (2010). Prediction of Sport Adherence through the Influence of Autonomy-Supportive Coaching among Spanish Adolescent Athletes. *Journal of Sports Science and Medicine*, 9, 8-14.
- Álvarez, O., Falco, C., Estevan, I., Molina-García, J., & Castillo, I. (2013). Psychological intervention in a rhythmic gymnastics team: A case study. *Rev. Psicol. Deporte*, 22, 395–401.
- Balaguer, I., González, L., Fabra, P., Castillo, I., Mercé, J., & Duda, J.L. (2012). Coaches' interpersonal style, basic psychological needs and the well- and ill-being of young soccer players: A longitudinal analysis. *J. Sports Sci.*, 30, 1619–1629.
- Balaguer, I., Castillo, I., Alvarez, M. S., & Duda, J. L. (2008). Importance of social context in the prediction of self determination and well-being in athletes of different level. Paper presented at European Congress of Psychology Granada (Spain).
- Bartholomew, K.J., Ntoumanis, N., Ryan, R.M., & Thøgersen-Ntoumani, C. (2011). Psychological need thwarting in the sport context: Assessing the darker side of athletic experience. *J. Sport Exerc. Psychol.*, 33, 75–102.
- Bartholomew, K.J., Ntoumanis, N., & Thøgersen-Ntoumani, C. (2010). The controlling interpersonal style in a coaching context: Development and initial validation of a psychometric scale. *J. Sport Exerc. Psychol.*, 32, 193–216.
- Blanchard, C.M., Amiot, C.E., Perreault, S., Vallerand, R.J., & Provencher, P. (2009). Cohesiveness, coach's interpersonal style and psychological needs: Their effects on self-determination and athletes' subjective well-being. *Psychol. Sport Exerc.*, 10, 545–551.
- Cantú-Berrueto, A., Castillo, I., López-Walle, J., Tristán, J., & Balaguer, I. (2016). Estilo interpersonal del entrenador, necesidades psicológicas básicas y motivación: Un estudio en futbolistas universitarios mexicanos. Coach interpersonal style, basic psychological needs and motivation: A study in Mexican college football players. *Rev. Iberoam. Psicol. Ejerc. El Deporte*, 11, 263–270.
- Castillo, I., González, L., Fabra, P., Mercé, J., & Balaguer, I. (2012). Estilo interpersonal controlador del entrenador, frustración de las necesidades psicológicas básicas, y burnout en futbolistas infantiles. Controlling coach interpersonal style, basic psychological need thwarting, and burnout in young soccer players. *Cuad. Psicol. Deporte*, 12, 143–146.
- Chelladurai, P., & Saleh, S. (1980). Dimensions of leader behavior in sports: development of a leadership scale. *Journal of Sport Psychology*, 2, 34-45.

- Coatsworth, J. D., & Conroy, D. E. (2009). The Effect of Autonomy-Supportive Coaching, Need Satisfaction, and Self-Perceptions on Initiative and Identity in Youth Swimmers. *Developmental Psychology*, 45(2), 320-328.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *Journal American Psychologist*, 55, 68-78.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2013). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. Springer Science & Business Media.
- Deci, E.L., & Ryan, R.M. (2000). The “What” and “Why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychol. Inq.*, 11, 227–268.
- Deci, E.L., & Ryan, R.M. (1988). The support of autonomy and the control of behavior. *J. Pers. Soc. Psychol.*, 53, 1024–1037.
- Edmunds, J., Ntoumanis, N., & Duda, J. (2006). A test of self-determination theory in the exercise domain. *J. Appl. Soc. Psychol.*, 36, 2240–2265.
- Enshel, Mark. H., (1380). *The Theory and Practice of Sport Psychology*. (Tr. Ali A. Mosaddad). Tehran: Information [Persian]
- Gagne, M., Ryan, R. M., & Bargmann, K. (2003). Autonomy support and need satisfaction in the motivation and well-being of gymnasts. *Journal of Applied Sport Psychology*, 15, 372-390.
- Gené, P.S., & Latinjak, A.T. (2014). Relación entre necesidades básicas y autodeterminación en deportistas de élite. Relationship between basic needs and self-determination in elite athletes. *Cuad. Psicol. Deporte*, 14, 49–56.
- Gutiérrez, M. (2015). Relationships among motivational climate, physical education experiences and pupils' intrinsic motivation. *Retos*, 26, 9–14.
- Hodge, K., Iondale, C., & Ng, J. (2008). Burnout in elite rugby relationship with basic psychological needs fulfillment. *Journal of Sports Sciences*, 26, 835-844.
- Hollebeak, J., & Amorose, A. (2005). Perceived coaching behaviors and college Athletes' intrinsic motivation: A test of self – determination theory. *Journal of Applied Sport Psychology*, 17(1), 20-36.
- James, W., Adie, J., Duda, L., & Ntoumanis, N. (2008). Autonomy support, basic need satisfaction and the optimal functioning of adult male and female sport participants: A test of basic needs theory. *MotivEmot*, 32, 189–199.
- Mallory, E. M. (2009). *Burnout, Motivation, and Perceived Coaching Behavior Female Intercollegiate Athletes: Assessing Relationships Over*. PhD diss., Oxford, Ohio.



- Mars, L., Castillo, I., López-Walle, J., Balaguer, I. (2017). Estilo controlador del entrenador, frustración de las necesidades y malestar en futbolistas. Controlling coach style, basic psychological need thwarting and ill-being in soccer players. *Rev. Psicol. Deporte*, 26, 119–124.
- Ortiz-Marholz, P.F., Chirisa-Ríos, L.J., Tamayo, I.M., Reigal-Garrido, R.E., & García-Mas, A. (2016). Compromiso deportivo a través del clima motivacional creado por madre, padre y entrenador en jóvenes futbolistas. Sport commitment via the motivational climate created by mother, father and coach in young football players. *Rev. Psicol. Deporte*, 25, 245–252.
- Perspectives in Social Psychology* (1985). Springer US: New York, NY, USA.
- Pietraszuk, T. k. (2006). *Burnout in Athletics: A Test of Self – Determination Theory*. Texas Tech University Thesis.
- Pineda-Espejel, H.A., López-Walle, J.M., & Tomás, I. (2017). Influence of the sports coach in relation to perfectionism and goal orientations. *Rev. Psicol. Deporte*, 26, 141–148.
- Pineda-Espejel, H.A., Morquecho-Sanchez, R., Alarcón, E. (2020). Estilos interpersonales, factores disposicionales, autoconfianza y ansiedad precompetitiva en deportistas de alto rendimiento. Coach interpersonal style, competence, motivation, and precompetitive anxiety in high performance athletes. *Cuad. Psicol. Deporte*, 20, 10–24.
- Reigal-Garrido, R.E., Crespillo-Jurado, M., Morillo-Baro, J.P., & Hernández-Mendo, A. (2018). Apoyo a la autonomía, clima motivacional percibido y perfil psicológico deportivo en jugadores de balonmano playa. Autonomy support, perceived motivational climate and psychological sports profile in beach handball players. *Cuad. Psicol. Deporte*, 18, 102–111.
- Reinboth, M., Duda, J. L., & Ntoumanis, N. (2004). Dimensions of Coaching Behavior Need Satisfaction, and the Psychological and Physical Welfare of Young Athletes. *Motivation and Emotion*, 28, 297-313.
- Richer, S.F., & Vallerand, R.J. (1995). Supervisors' interactional styles and subordinates' intrinsic and extrinsic motivation. *Journal of Social Psychology*, 135(6), 707-722.
- Rocchi, M., Pelletier, L.G. (2017). The antecedents of coaches' interpersonal behaviors: The role of the coaching context, coaches' psychological needs, and coaches' motivation. *J. Sport Exerc. Psychol.*, 39, 366–378.
- Ryan, R.M., & Deci, E.L. (2017). *Self-Determination Theory: Basic Psychological Needs in Motivation, Development, and Wellness*. Guilford Press: New York, NY, USA.
- Smith, A., Ntoumanis, N., & Duda, J. (2007). Goal Striving, Goal Attainment, and Well-Being: Adapting and Testing the Self-Concordance Model in Sport. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 29, 763-782.

- Standage, M., Duda, J. L., & Ntoumanis, N. (2006). Students' Motivational Processes and their Relationship to Teacher Ratings in School Physical Education: A Self-determination Theory Approach. *Research Quarterly for exercise and Sport*, 77, 100-110.
- Stephen, P. R. (2005). *Organizational behavior* (translated: A. Parsayan (ph.D.) & S. M. Aarabi (ph.D)). Tehran. Cultural Research Office [Persian]
- Vansteenkiste, M., Ryan, R. M., & Soenens, B. (2020). Basic psychological need theory: Advancements, critical themes, and future directions. *Motiv. Emot.*, 44, 1-31. [CrossRef]
- Morales-Sánchez, V., Crespillo-Jurado, M., Jiménez-López, D., Morillo-Baro, J. P., Hernández-Mendo, A., & Reigal, R. E. (2020). Relationships between controlling interpersonal coaching style, basic psychological need thwarting, and burnout, in adolescent soccer players. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(13), 4909.
- Zardoshtian, Sh. (2007). The relationship between Transformational and Transactional coaches' leadership style with Attitude of the super-league Basketball players in Iran. Thesis, Tarbiat Moallem University of Tehran [Persian]